

مقدمه

خانواده نخستین محیط اجتماعی است که کودک را تحت سرپرستی و مراقبت قرار می‌دهد. از این رو، می‌توان گفت: بیش از تمام محیط‌های دیگر در رشد و تکامل فرد تأثیر دارد. تأثیر خانواده بر فرایند «تحول» چنان روشن است که با وجود اختلافات میان صاحب‌نظران روان‌شناسی، در زمینه اهمیت خانواده و تأثیر آن بر تحول نقطه‌نظر مشترک وجود دارد. اکثر روان‌شناسان، صرف‌نظر از مکتبی که دارند، کنش‌های میان والدین و فرزندانشان را اساس تحول عاطفی تلقی نموده‌اند (بالبی، ۱۹۶۹، ص ۲۵).

یکی از معتبرترین رویکردها در زمینه چگونگی تأثیر والدین بر رشد اجتماعی و شایستگی در کودکان، مطالعه‌ای تحت عنوان «شیوه‌های فرزندپروری» است که توسط دارلینگ و استنبرگ در سال ۱۹۹۳ صورت گرفته است. شیوه‌های فرزندپروری مجموعه‌ای از نگرش‌های والدین نسبت به فرزندان است که منجر به ایجاد جو هیجانی می‌شود که در آن جو رفتارهای والدین بروز می‌نماید. این رفتارها، هم دربرگیرنده رفتارهای مشخصی است که از طریق آنها، والدین به وظایف والدینی‌شان عمل می‌کنند و در جهت هدف والدین است و هم دربرگیرنده رفتارهای غیرمرتبط با هدف‌های والدینی که شامل ژست‌ها، تغییر تن صدا یا بیان هیجان‌های غیرارادی است (گلاسکو و همکاران، ۱۹۹۷).

پژوهش‌های وسیعی که در زمینه چگونگی برخورد والدین با کودکانشان انجام شده، نشان می‌دهد که روش‌های تربیتی والدین آثار طولانی بر عقاید و افکار، رفتار و عملکرد، انتظارات و شخصیت افراد در آینده دارد (هریس و سرتین، ۲۰۰۲).

پیاژه در سال ۱۹۵۴ و بالبی در سال ۱۹۶۹ بیان کردند که عملکرد والدین سبب ایجاد و گسترش مدل‌هایی در درون سازمان شناختی فرد به نام «طرحواره» می‌شود. این طرحواره‌ها در زندگی فرد به‌عنوان عدسی‌هایی عمل می‌کنند که تفسیر، انتخاب و ارزیابی فرد از تجارب وی را شکل می‌دهند (گانتی، ۲۰۰۸، ص ۳۳). متعاقب این دیدگاه، یانگ، نظری را در رابطه با طرحواره‌های ناسازگار اولیه گسترش داد. وی معتقد بود که طرحواره‌های ناسازگار اولیه، الگوها یا درون‌مایه‌های عمیق و فراگیری هستند که از خاطرات، هیجان‌ها، شناخت‌واره‌ها و احساسات بدنی تشکیل شده‌اند و طی دوران کودکی و نوجوانی شکل گرفته و در سیر زندگی تداوم یافته، در مورد خود و رابطه با دیگران هستند و به شدت ناکارآمدند. برخی از این طرحواره‌ها، به‌ویژه آنهایی که در نتیجه تجارب ناگوار دوران کودکی شکل می‌گیرند، ممکن است هسته اصلی اختلالات شخصیت، مشکلات منش شناختی خفیف‌تر و بسیاری از اختلالات مزمن محور یک قرار بگیرند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳).

رابطه شیوه‌های فرزندپروری ادراک‌شده با طرحواره‌های ناسازگار اولیه و

جهت‌گیری مذهبی

مریم حاجی کاظم تهرانی / کارشناس ارشد روان‌شناسی خانواده دانشگاه علم و فرهنگ m_tehrani1@yahoo.com
معصومه اسمعیلی / استادیار دانشگاه علامه طباطبائی masesmaeily@yahoo.com
علی فتحی آستینانی / استاد دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله ع.ج.و.ع. afa1337@gmail.com
دریافت: ۱۳۹۲/۷/۲۱ - پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۷

چکیده

این پژوهش به‌منظور شناسایی رابطه شیوه‌های فرزندپروری ادراک‌شده با طرحواره‌های ناسازگار اولیه و جهت‌گیری مذهبی صورت گرفته است. بدین منظور، ۳۰۰ دانش‌آموز دختر مقطع دوم و سوم دبیرستان به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای خوشه‌ای انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌های ابعاد رفتاری والدین شیفر، فرم کوتاه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ و جهت‌گیری مذهبی آلپورت را تکمیل کردند. داده‌ها، با استفاده از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که شیوه فرزندپروری با بعد غالب محبت پیش‌بینی‌کننده معناداری برای سطوح پایین‌تر طرحواره‌های ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی، انزوای اجتماعی / بیگانگی، نقص / شرم، وابستگی / بی‌کفایتی، خودتحول نیافته / گرفتار، اطاعت، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه / عیب‌جویی افراطی و خویش‌داری / خودانضباطی ناکافی و جهت‌گیری مذهبی بیرونی و سطوح بالاتر جهت‌گیری مذهبی درونی است. همچنین نتایج نشان داد شیوه فرزندپروری با بعد غالب کنترل نیز پیش‌بینی‌کننده معناداری برای سطوح بالاتر طرحواره‌های ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی، بی‌اعتمادی / بدرفتاری، نقص / شرم، اطاعت و ایثار است.

کلیدواژه‌ها: شیوه‌های فرزندپروری، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و جهت‌گیری مذهبی.

رایت و همکاران طی پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که سبک والدینی بر شیوه شکل‌گیری طحوا‌ه‌ها اثر دارد. این طحوا‌ه‌ها در آسیب‌شناسی روانی بعدی افراد مؤثر است (رایت و همکاران، ۲۰۰۹). بارانف و تیان نیز تعاملات ناکارآمد والدین با کودک را پیش‌بینی‌کننده بسیار خوبی برای طحوا‌ه‌های ناسازگار اولیه یافتند (بارانف و تیان، ۲۰۰۷). سسرو و همکاران نشان دادند که بین طحوا‌ه‌های ناسازگار اولیه، با مورد بی‌توجهی و غفلت قرار گرفتن و بدرفتاری در دوران کودکی رابطه معناداری وجود دارد (سسرو و همکاران، ۲۰۰۴). تیم به این نتیجه دست یافت که پنج حوزه طحوا‌ه‌های ناسازگار اولیه (بجز دامنه‌ای از حوزه محدودیت‌ها)، با طرد پدر و مادر رابطه معناداری دارد (تیم، ۲۰۱۰). وی دریافت که حوزه‌های بریدگی / طرد، دیگر جهت‌مندی، گوش به زنگی و بازداری بیش از حد، با گرمی و پذیرش کم مادر ارتباط معناداری دارد. همچنین نشان داد که برخلاف یافته‌های هریس و سرتین (۲۰۰۲) و لیونگ و همکاران (۲۰۰۰)، مراقبت بیش از حد والدین با طحوا‌ه‌های ناسازگار اولیه، به‌طور معناداری رابطه ندارد. گانتی در بررسی اثر عملکرد والدین در رابطه با سه مولفه مهرورزی، اقتدار و کنترل و شکل‌گیری طحوا‌ه‌های ناسازگار اولیه به این نتیجه دست یافت که عملکرد والدین پیش‌بینی‌کننده معناداری برای برخی از حوزه‌ها از جمله بریدگی / طرد و عملکرد و خودگردانی مختل است (گانتی، ۲۰۰۸، ص ۳۳). موریس طی پژوهشی پیرامون طحوا‌ه‌های ناسازگار اولیه و بعد فرزندپروری محبت / طرد والدین دریافت، رابطه مثبت و معناداری بین طرد و عدم پذیرش والدین و طحوا‌ه‌های ناسازگار اولیه و رابطه منفی و معناداری بین گرمی و محبت والدین با نمرات بالای طحوا‌ه‌های ناسازگار اولیه در پرسش‌نامه یانگ وجود دارد (موریس، ۲۰۰۶). هریس و سرتین در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین ادراک از مراقبت والدینی و طحوا‌ه‌های نقص / شرم، خویش‌انداری ناکافی، وابستگی / بی‌کفایتی و آسیب‌پذیری رابطه منفی وجود دارد (هریس و سرتین، ۲۰۰۲). این طحوا‌ه‌ها (بجز مقیاس وابستگی / بی‌کفایتی)، در ارتباط با والدین بیش حمایت‌گر نیز وجود دارد.

شهامت و همکاران (۱۳۸۹) به این نتیجه دست یافتند که سبک فرزندپروری مقتدرانه، پیش‌بینی‌کننده معناداری برای سطوح پایین طحوا‌ه ناسازگار طرد / بی‌ثباتی و سبک فرزندپروری سهل‌گیر پیش‌بینی‌کننده معناداری برای سطوح بالاتر طحوا‌ه استحقاق / بزرگ‌منشی است. شایقیان نیز دریافت که بین پیوند والدینی ضعیف و باورهای ناسازگار هسته‌ای رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد؛ یعنی با ضعیف‌تر شدن متغیر پیوند والدینی، میزان باورهای ناسازگار هسته‌ای بیشتر می‌شود (ر.

ک. شایقیان، ۱۳۸۷). صدوقی نشان داد که پیوند والدینی ضعیف پیش‌بینی‌کننده زمینه‌ای، برای تشکیل طحوا‌ه‌های ناسازگار اولیه می‌باشد (ر. ک. صدوقی، ۱۳۸۶).

از سوی دیگر، پژوهشگران، خانواده را اساسی‌ترین بستر شکل‌گیری باورهای مذهبی و معنوی می‌دانند و بر این نکته تأکید دارند که غالب این باورها از دوران کودکی و از کانون خانواده ناشی می‌شود. نتایج پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد که اهداف و سبک‌های والدینی با تحول دینی فرزندان مرتبط بوده و والدین، نقش بسزایی در نوع تربیت دینی و مذهبی فرزندان ایفا می‌کنند (پالکویتز و پالم، ۱۹۹۸).

از نظر آلپورت، مذهب طیفی است که در یک سوی این طیف، مذهب، برای افراد معنایی ابزاری دارد و در سوی دیگر، طیف مذهب، نوعی معنا و معنایابی است که خود انگیزه اصلی زندگی است و ارزش درونی دارد (آلپورت، ۱۹۶۸، ص ۱۴۹). به نظر آلپورت و راس، شخصی که جهت‌گیری مذهبی درونی دارد، با مذهبش زندگی می‌کند. اما شخصی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارد، از مذهبش استفاده می‌کند (آلپورت و راس، ۱۹۶۷). اشخاصی که جهت‌گیری مذهبی درونی دارند، انگیزه‌های اصلی خود را در چارچوب مذهب می‌یابند و شخصیتشان با مذهب یکی شده، درحالی‌که اشخاص با جهت‌گیری بیرونی برای رسیدن به اهدافی دیگر به سمت مذهب می‌روند. در حقیقت، این اشخاص به سمت خدا می‌روند بدون اینکه از خود روی بگردانند. برای این افراد، مذهب وسیله‌ای برای ارضای نیازهای فردی چون کسب مقام و موقعیت اجتماعی است.

هانزبرگر و بران در مطالعه‌ای گزارش کردند که دانشجویان، والدین را مهم‌ترین عامل ارتقای عقاید و تربیت دینی خود دانسته‌اند (اسپیلکا و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۱۵۲). بر این اساس دادلی و ویبسی، مهم‌ترین عامل برای انتقال آموزه‌ها و ارزش‌های دینی به فرزندان را حضور گرم و روابط حمایتی و مراقبتی والدین می‌دانند (دادلی و ویبسی، ۲۰۰۰). دیکی و همکاران، بر اهمیت والدین در شکل‌گیری مفهوم خدای کودک هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم تأکید کردند و نتایج بررسی آنان نشان داد که مفهوم «خدا» در دختران نسبت به پسران با اسنادها و سبک تربیتی آنها همبستگی نزدیک‌تری دارد (دیکی و همکاران، ۱۹۹۷). در بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری و تعهد مذهبی نوجوانان، این نتیجه به‌دست آمد که شیوه‌های فرزندپروری حمایتی و مقتدرانه، به‌عنوان ابزاری برای تعهد مذهبی درونی نوجوانان می‌باشد (جاسبرگ، ۱۹۹۵). سبک فرزندپروری والدین بر مفهوم خدای جوانان تأثیر بسزایی دارد. بدین ترتیب، سبک والدینی و مفهوم خداوند پدر و مادرها، پیش‌گویی‌کننده تصویر خدای کودکان

می‌توان با کار بر روی شیوه‌های فرزندپروری و آموزش‌های مناسب به والدین، درباره تربیت دینی فرزندان گرایش نسل نوجوان را به سمت جهت‌گیری مذهبی درونی سوق داد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع همبستگی است. بدین منظور، کل دانش‌آموزان دختر پایه دوم و سوم مقطع متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰، به‌عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شد. ۳۰۰ نفر از آنها براساس شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای خوشه‌ای به‌عنوان نمونه این پژوهش انتخاب گردید. به این ترتیب، ابتدا به‌طور تصادفی ۲ منطقه (مناطق یک و سه) از مناطق ۱۹گانه آموزش و پرورش شهر تهران انتخاب شد و از بین مدارس دخترانه مقطع دبیرستان این دو منطقه، ۳ مدرسه به‌طور تصادفی و از هر مدرسه، تعداد ۵۰ دانش‌آموز از پایه دوم و سوم (هر پایه ۲۵ دانش‌آموز) انتخاب گردید.

ابزارهای پژوهش

پرسش‌نامه ابعاد رفتاری والدین (محیط خانوادگی): این پرسش‌نامه براساس کارهای شیفر (۱۹۶۵) توسط *تفایشیان* در شیراز تهیه شده و دارای ۷۷ ماده است که ابعاد کنترل-آزادی (شامل: آزادی بیش از حد، انضباط ملایم، دخالت بیش از حد، کنمان پرخاشجویی، کنترل از طریق احساس گناه، جهت‌دهی، انضباط پیوسته یکسان، انتظار رفتاری بالغانه و تنبیه) و محبت-طرد (شامل: حمایت عاطفی، تأیید و ابراز نظر مثبت، شرکت در امور، ابراز محبت، ارتباط، ابراز نظر منفی، خشم و عصبانیت، طرد و نادیده گرفتن کودک) را در روابط خانوادگی، از نگاه آزمودنی‌ها مورد سنجش قرار می‌دهد (آقاجری، ۱۳۷۴، ص ۹۸). ضریب پایایی پرسش‌نامه، توسط سازنده آن، ۰/۸۷ گزارش شده است. *یعقوب‌خانی غیاثوند* در پژوهش خود، ضریب پایایی پرسش‌نامه را از طریق ضریب آلفا و بازآزمایی به ترتیب، برای بعد کنترل-آزادی ۰/۶۳ و ۰/۷۴ و محبت-طرد ۰/۸۲ و ۰/۹۳ و ضریب پایایی آلفا برای کل پرسش‌نامه، به ترتیب ۰/۹۲ و ۰/۸ به‌دست آورد (یعقوب‌خانی غیاثوند، ۱۳۷۲، ص ۸۵). صادقی و *مظاهری* نیز در پژوهش خود، که آزمودنی‌های آن را دانشجویان تشکیل می‌دادند، ضریب پایایی را از طریق آلفای کرونباخ برای بعد کنترل-آزادی، ۰/۷۸ و برای بعد محبت-طرد ۰/۹۴ و برای کل پرسش‌نامه، ۰/۸۸ به‌دست آوردند. برای تعیین روایی پرسش‌نامه *تفایشیان* از روش اعتباریابی محتوا استفاده شده است (صادقی و *مظاهری*، ۱۳۸۶).

است (هرتل و دوناو، ۱۹۹۵). *زابالا* نیز در بررسی رابطه سبک‌های والدینی و خودمختاری نوجوانان در فعالیت‌های علمی، مذهبی و تلویزیونی به این نتیجه دست یافت که شیوه‌های فرزندپروری، کنترل‌کننده و اجتماع‌گرا با جهت‌گیری مذهبی درونی به‌طور معنادار و مثبتی ارتباط دارد (زابالا، ۱۹۹۴). در پژوهشی نشان داده شد که بین سبک والدینی و تعهد مذهبی در دانشجویان ارتباط معناداری وجود دارد و افزایش در تعهد مذهبی تنها در چارچوب شیوه‌های مقتدرانه امکان‌پذیر است (کارتر، ۲۰۰۰).

صادقی و مظاهری (۱۳۸۶)، طی پژوهشی که به‌منظور بررسی کیفیت ارتباط والد-فرزند به‌عنوان پیش‌شرط تربیت دینی فرزندان انجام دادند، دریافتند که منابع شناخت دینی در سبک‌های تربیتی مختلف متفاوت است. به‌طوری‌که در سبک تربیتی مقتدر، شناخت دینی بیشتر از طریق خانواده و در سبک تربیتی مسامحه‌کار و بی‌توجه، شناخت دینی بیشتر از طریق اماکن مذهبی است. کریمی در پژوهشی به‌منظور بررسی رابطه نگرش مذهبی و شیوه‌های فرزندپروری والدین، با نگرش مذهبی دختران، نشان داد که بین نگرش مذهبی دختران و شیوه‌های فرزندپروری والدین ارتباط معناداری وجود ندارد (ر.ک. کریمی، ۱۳۸۰).

با توجه به اینکه غالباً پژوهش‌ها حاکی از این بود که ریشه اصلی طرحواره‌های ناسازگار اولیه در تجربه‌های نامساعد دوران کودکی و تعاملات ناکارآمد والدین با کودک وجود دارد، در این پژوهش، به‌عنوان یکی از اهداف به بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری و طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعیین میزان سهم شیوه‌های فرزندپروری در پیش‌بینی طرحواره‌های ناسازگار اولیه پرداخته شده است؛ چراکه چنانچه مشخص گردد بین شیوه‌های فرزندپروری با شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه رابطه معناداری وجود دارد و نوع فرزندپروری می‌تواند طرحواره‌های ناسازگار را پیش‌بینی کند، می‌توان با آموزش شیوه‌های فرزندپروری مناسب به والدین و تلاش در جهت ارتقای آن، از شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه در فرزندان و متعاقب آن اختلالات شخصیت پیشگیری کرد.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه مذهب به‌عنوان یک متغیر مهم در زندگی افراد است و غالباً پژوهش‌ها نشان داده است که روش‌های تربیتی والدین، نقش مهمی در انتقال ارزش‌های دینی و نگرش مذهبی فرزندان دارد، در این پژوهش به‌عنوان یکی دیگر از اهداف، به بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین و جهت‌گیری مذهبی فرزندان و تعیین سهم این شیوه‌های فرزندپروری در نوع جهت‌گیری مذهبی فرزندان، پرداخته شد؛ چراکه اگر مشخص گردد بین این دو مؤلفه، رابطه معناداری وجود دارد و شیوه‌های فرزندپروری پیش‌بینی‌کننده معناداری برای جهت‌گیری مذهبی فرزندان است،

فرم کوتاه پرسش‌نامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه: این پرسش‌نامه توسط یانگ (۱۹۹۸) برای ارزیابی ۱۵ طرحواره ناسازگار اولیه ساخته شده است. یک ابزار خودتوصیفی است که شامل ۷۵ سؤال ۶ گزینه‌ای می‌باشد. پایایی و روایی این ابزار در پژوهش‌های متعددی به اثبات رسیده است (راجیکبور و برگ، ۲۰۰۶؛ بارانف و تیان، ۲۰۰۷). پایایی مقیاس، به وسیله آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۹۶۴ و برای تمام خرده‌مقیاس‌ها بالاتر از ۰/۸۰ گزارش شده است (والر و همکاران، ۲۰۰۱). هنجاریابی این پرسش‌نامه در ایران توسط آهی (۱۳۸۵) در دانشگاه‌های تهران انجام گرفته است. همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ در جمعیت مؤنث، ۰/۹۷ و در جمعیت مذکر، ۰/۹۸ به دست آمده است.

پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت: آلپورت بر مبنای کوشش‌های نظری‌اش مقیاسی برای اندازه‌گیری جهت‌گیری مذهبی ساخت. این پرسش‌نامه دارای ۲۰ ماده است که ۱۱ ماده آن به جهت‌گیری مذهبی بیرونی و ۹ ماده آن به جهت‌گیری مذهبی درونی اختصاص دارد. فگین یک نسخه ۲۱ ماده‌ای ارائه نمود که تمام ماده‌های آلپورت، به اضافه یک ماده دیگر را دربرمی‌گیرد (دوناهو، ۱۹۸۵). این ماده همبستگی مثبت بالایی (۰/۶۱) با مقیاس بیرونی آلپورت داشت. از آن به بعد، نسخه فگین بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است. در مطالعات فگین، همبستگی بین جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی (۰/۲-) بود که با همبستگی محاسبه شده آلپورت (۰/۲۱-) بسیار نزدیک می‌باشد. پایایی این پرسش‌نامه، توسط جان‌بزرگی (۱۳۷۸) در یک گروه ۴۵ نفری از دانشجویان دانشگاه‌های تهران براساس آلفای کرونباخ به میزان ۰/۷۳۷ مورد تأیید قرار گرفت. در پژوهش مختاری و همکاران (۱۳۸۰)، نیز پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید، که ضریب آلفای معادل ۰/۷۱۲ به دست آمد. برای سنجش روایی این آزمون در ایران، پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی فگین به فارسی ترجمه شده و صحت آن از طریق بازخوانی توسط متخصصان دیگر و ترجمه دوباره آن به انگلیسی تصحیح گردید.

در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار استنباطی (تحلیل واریانس، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه) استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

پس از اجرای پژوهش، داده‌های به دست آمده مورد تحلیل قرار گرفت که نتایج آن در پی آمده است. جدول ۱، ضرایب همبستگی بین شیوه‌های فرزندپروری ادراک‌شده و طرحواره‌های ناسازگار اولیه و جهت‌گیری مذهبی و سطح معناداری آنها را نشان می‌دهد.

جدول ۱: ضرایب همبستگی بین شیوه‌های فرزندپروری و طرحواره‌های ناسازگار اولیه و جهت‌گیری مذهبی

متغیرها				محت	محت
کنترل		شیوه‌های فرزندپروری			
ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	محت	محت
۰/۱۵۶	۰/۰۰۳	-۰/۳۵۱	۰/۰۰۱	محرومیت هیجانی	رهایندگی
-۰/۰۳۱	۰/۲۹ n.s	-۰/۱۱۴	۰/۱۲۴	رهاشدگی / بی‌ثباتی	رهایندگی
۰/۱۴۳	۰/۰۰۷	-۰/۱۵۰	۰/۱۹ n.s	بی‌اعتمادی / بدرفتاری	رهایندگی
۰/۱۱۴	۰/۰۲۴	-۰/۲۷۴	۰/۰۰۱	انزوای اجتماعی / بیگانگی	رهایندگی
۰/۲۱۶	۰/۰۰۱	-۰/۲۳۹	۰/۰۰۱	نقص / شرم	رهایندگی
-۰/۰۴۶	۰/۲۱ n.s	-۰/۱۲۹	۰/۰۱۳	شکست	رهایندگی
۰/۰۷۷	۰/۰۹ n.s	-۰/۲۲۱	۰/۰۰۱	وابستگی / بی‌کفایتی	رهایندگی
۰/۰۹۶	۰/۰۶ n.s	-۰/۰۲۴	۰/۳۳ n.s	آسیب‌پذیری نسبت به ضرر	رهایندگی
۰/۰۹۴	۰/۰۵ n.s	-۰/۱۶۲	۰/۰۰۲	خودتحوّل نیافته / گرفتار	رهایندگی
۰/۱۷۸	۰/۰۰۱	-۰/۱۵۲	۰/۰۰۴	اطاعت	رهایندگی
۰/۱۹۶	۰/۰۰۱	-۰/۰۶۸	۰/۱۲ n.s	ایثار	رهایندگی
۰/۰۸۳	۰/۰۷ n.s	-۰/۲۱۹	۰/۰۰۱	بازداری هیجانی	رهایندگی
۰/۰۸۶	۰/۰۶ n.s	-۰/۱۵۵	۰/۰۰۴	معیارهای سرسختانه / عیب‌جویی افراطی	رهایندگی
۰/۰۵۲	۰/۱۸ n.s	۰/۰۶۶	۰/۱۲ n.s	استحقاق / بزرگ‌منشی	رهایندگی
-۰/۰۹۸	۰/۰۴	-۰/۱۶۳	۰/۰۰۲	خویشانداری و خودانضباطی ناکافی	رهایندگی
۰/۰۹۴	۰/۰۹ n.s	۰/۳۸۷	۰/۰۰۱	درونی	جهت‌گیری مذهبی
۰/۱۱۱	۰/۰۲۷	-۰/۲۵۵	۰/۰۰۱	بیرونی	جهت‌گیری مذهبی

نتایج حاصل از جدول ۱ نشان می‌دهد که بین شیوه فرزندپروری با بُعد غالب کنترل و طرحواره‌های ناسازگار محرومیت هیجانی، بی‌اعتمادی / بدرفتاری، انزوای اجتماعی / بیگانگی، نقص / شرم، اطاعت، ایثار و خویشانداری و خودانضباطی ناکافی و جهت‌گیری مذهبی بیرونی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. از سوی دیگر، بین شیوه فرزندپروری با بُعد غالب کنترل و طرحواره‌های ناسازگار رهاشدگی / بی‌ثباتی، شکست، وابستگی / بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، خودتحوّل نیافته / گرفتار، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه / عیب‌جویی افراطی، استحقاق / بزرگ‌منشی و جهت‌گیری مذهبی درونی رابطه معناداری وجود ندارد.

همچنین بین شیوه فرزندپروری، با بُعد غالب محبت و طرحواره‌های ناسازگار محرومیت هیجانی، رهاشدگی / بی‌ثباتی، انزوای اجتماعی / بیگانگی، نقص / شرم، شکست، وابستگی / بی‌کفایتی، خودتحوّل نیافته / گرفتار، اطاعت، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه / عیب‌جویی افراطی و خویشانداری و خودانضباطی ناکافی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. از سوی دیگر، بین شیوه فرزندپروری با بُعد غالب محبت و طرحواره‌های ناسازگار بی‌اعتمادی / بدرفتاری، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، ایثار و استحقاق / بزرگ‌منشی رابطه معناداری وجود ندارد و بین شیوه فرزندپروری، با بُعد غالب محبت و جهت‌گیری مذهبی درونی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

جدول 2: خلاصه اطلاعات رگرسیون طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و شیوه‌های فرزندپروری

فرزندپروری					منبع تغییر رگرسیون
R2	R	P	Fآزمون	df	
0/143	0/37	0/0001	24/78	2	محرومیت هیجانی
0/014	0/117	0/129 n.s	2/061	2	رهاشدگی/ بی‌ثباتی
0/022	0/15	0/035	3/401	2	بی‌اعتمادی/ بدرفتاری
0/085	0/292	0/0001	13/87	2	انزوای اجتماعی/ بیگانگی
0/10	0/316	0/0001	16/44	2	نقص/ شرم
0/019	0/139	0/55 n.s	2/92	2	شکست
0/053	0/33	0/0001	8/38	2	وابستگی/ بی‌کفایتی
0/034	0/184	0/006	5/20	2	خودتحوّل نیافته/ گرفتار
0/053	0/22	0/0001	8/25	2	اطاعت
0/042	0/205	0/002	6/518	2	ایثار
0/052	0/33	0/0001	8/36	2	بازداری هیجانی
0/030	0/173	0/01	4/63	2	معیارهای سرسختانه/ عیب‌جویی افراطی
0/038	0/19	0/003	5/8	2	خوشتنداری و خودانضباطی ناکافی

همان‌طور که در جدول 2 مشاهده می‌شود، مقدار F محاسبه شده طحوره‌های ناسازگار محرومیت هیجانی، بی‌اعتمادی/ بدرفتاری، انزوای اجتماعی/ بیگانگی، نقص/ شرم، وابستگی/ بی‌کفایتی، خودتحوّل نیافته/ گرفتار، اطاعت، ایثار، بازداری هیجانی و معیارهای سرسختانه/ عیب‌جویی افراطی و شیوه‌های فرزندپروری در سطح $P < 0/01$ معنادار است و مقدار F حاصل از طحوره‌های ناسازگار اولیه رهاشدگی/ بی‌ثباتی و شکست و شیوه‌های فرزندپروری معنادار نیست.

با توجه به معناداری F می‌توان گفت: به ترتیب $0/22$ ، $0/14$ ، $0/08$ ، $0/33$ ، $0/03$ ، $0/05$ ، $0/02$ ، $0/05$ ، $0/03$ از واریانس طحوره‌های ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی، بی‌اعتمادی/ بدرفتاری، انزوای اجتماعی/ بیگانگی، نقص/ شرم، وابستگی/ بی‌کفایتی، خودتحوّل نیافته/ گرفتار، اطاعت، ایثار، بازداری هیجانی و معیارهای سرسختانه/ عیب‌جویی افراطی از یک ترکیب خطی حاصل از شیوه‌های فرزندپروری با بعد غالب کنترل و محبت قابل پیش‌بینی است.

جدول 3: خلاصه اطلاعات رگرسیون شیوه‌های فرزندپروری و جهت‌گیری مذهبی

شیوه‌های فرزندپروری					منبع تغییر رگرسیون
R2	R	P	Fآزمون	Df	
0/16	0/40	0/0001	28/71	2	جهت‌گیری مذهبی درونی
0/075	0/274	0/0001	12/69	2	جهت‌گیری مذهبی بیرونی

نتایج حاصل از جدول 3 نشان می‌دهد که مقدار F محاسبه شده حاصل از تحلیل رگرسیون جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی و شیوه‌های فرزندپروری در سطح $P < 0/01$ معنادار است.

جدول 4: ضرایب رگرسیون به همراه آزمون t برای بررسی معناداری آن

فرزندپروری						
محبت			کنترل			
P	آزمون t	B	P	آزمون t	B	
0/0001	-6/410	-0/76	0/01	2/13	0/49	محرومیت هیجانی
0/44 n.s	-0/762	-0/007	0/05	2/46	0/044	بی‌اعتمادی/ بدرفتاری
0/0001	-4/85	-0/053	0/06 n.s	1/84	0/038	انزوای اجتماعی/ بیگانگی
0/0001	-4/18	-0/047	0/0001	3/74	0/078	نقص/ شرم
0/0001	-3/86	-0/038	0/02 n.s	1/20	0/022	وابستگی/ بی‌کفایتی
0/006	-2/77	-0/032	0/12 n.s	1/53	0/033	خودتحوّل نیافته/ گرفتار
0/0001	-2/56	-0/030	0/003	3/042	0/067	اطاعت
0/29 n.s	-1/052	-0/011	0/0001	3/4	0/066	ایثار
0/0001	-3/81	-0/048	0/19 n.s	1/30	0/030	بازداری هیجانی
0/01	-2/64	-0/033	0/16 n.s	1/39	0/032	معیارهای سرسختانه/ عیب‌جویی
0/004	-2/93	-0/029	0/06 n.s	-1/85	-0/034	خوشتنداری و خودانضباطی ناکافی

در جدول 4 مشاهده می‌شود که شیوه فرزندپروری با بعد غالب کنترل به صورت مثبت و معناداری طحوره‌های ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی، بی‌اعتمادی/ بدرفتاری، نقص/ شرم، اطاعت و ایثار را به ترتیب به میزان $0/49$ ، $0/44$ ، $0/38$ ، $0/78$ ، $0/22$ و $0/66$ پیش‌بینی می‌کند. شیوه فرزندپروری با بعد غالب محبت نیز به صورت منفی و معناداری طحوره‌های ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی، انزوای اجتماعی/ بیگانگی، نقص/ شرم، وابستگی/ بی‌کفایتی، خودتحوّل نیافته/ گرفتار، اطاعت، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه/ عیب‌جویی افراطی و خوشتنداری و خودانضباطی را به ترتیب به میزان $0/76$ ، $0/53$ ، $0/48$ ، $0/33$ ، $0/38$ ، $0/32$ ، $0/30$ و $0/29$ پیش‌بینی می‌کند.

جدول 5: ضرایب رگرسیون به همراه آزمون t برای بررسی معناداری آن

فرزندپروری						
محبت			کنترل			
P	آزمون t	B	P	آزمون t	B	
0/0001	7/36	0/093	0/56 n.s	2/08	0/049	جهت‌گیری مذهبی درونی
0/0001	-4/49	-0/076	0/72 n.s	1/79	0/056	جهت‌گیری مذهبی بیرونی

نتایج حاصل از جدول 5 نشان می‌دهد که شیوه فرزندپروری با بعد غالب محبت، جهت‌گیری مذهبی درونی را به صورت مثبت و معنادار، به میزان $0/93$ و جهت‌گیری مذهبی بیرونی را به صورت منفی و معنادار، به میزان $0/76$ پیش‌بینی می‌کند. همچنین نتایج حاکی از آن است که شیوه فرزندپروری با بعد غالب کنترل پیش‌بینی‌کننده معناداری برای جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش، نشان داد که شیوه فرزندپروری با بُعد غالب محبت به ترتیب طحوراه‌های ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی، نقص، انزوای اجتماعی، وابستگی، اطاعت، بازداری هیجانی، خودتحول نیافته، معیارهای سرسختانه و خویش‌تنداری و خودانضباطی ناکافی را به صورت منفی و معناداری پیش‌بینی می‌کند؛ یعنی در صورتی که والدین نسبت به فرزندان خود ابراز محبت، گرمی و حمایت عاطفی بیشتری داشته باشند، به نقطه نظرات آنها گوش دهند و آنها را در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دهند، این طحوراه‌های ناسازگار کمتر در آنها شکل خواهند گرفت. این بخش از یافته‌های پژوهش، همسو با یافته‌های راجیکبور و برگ (۲۰۰۶) و یانگ و همکاران (۲۰۰۳) است که دریافتند طحوراه‌های ناسازگار ره‌اشدگی، محرومیت هیجانی، بی‌اعتمادی، نقص و انزوای اجتماعی به طور معمول در خانواده‌هایی به وجود می‌آید که بریده، سرد، طردکننده، منزوی، انفجاری، غیرقابل پیش‌بینی، بدرفتار و ره‌اکنده هستند. همچنین نتایج همسو با پژوهش تیم (۲۰۱۰، ۲۰۱۱) است که بیان می‌کنند، پنج حوزه طحوراه‌های ناسازگار اولیه، بجز دامنه‌ای از حوزه محدودیت‌ها، با طرد والدین رابطه مثبت معناداری دارد.

نتایج نشان داد که شیوه‌های فرزندپروری با بُعد غالب کنترل به ترتیب طحوراه‌های ناسازگار محرومیت هیجانی، نقص، اطاعت، ایثار و بی‌اعتمادی را به صورت مثبت و معناداری پیش‌بینی می‌کند. همان‌طور که گفته شد، بر اساس دیدگاه یانگ، طحوراه‌های ناسازگار اولیه، اغلب به دلیل ارضا نشدن پنج نیاز تحولی دوران کودکی به وجود می‌آیند: ۱. دل‌بستگی ایمن به دیگران (شامل نیاز به امنیت، ثبات، محبت)؛ ۲. خودمختاری، کفایت و حس هویت؛ ۳. آزادی در بیان نیازها و هیجان‌های منطقی و سالم؛ ۴. خودانگیختگی و تفریح؛ ۵. محدودیت‌های واقع‌بینانه و خویش‌تنداری (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). با توجه به اینکه والدین در شیوه فرزندپروری با بُعد غالب کنترل، دخالت، رهبری و کنترل از طریق ایجاد احساس گناه و تقصیر را نسبت به شکل‌گیری خودمختاری در فرزندان ترجیح می‌دهند، این نیازها را نادیده گرفته و در نتیجه، منجر به شکل‌گیری بیشتر طحوراه‌های ناسازگار اولیه در فرزندان می‌شوند.

همچنین پژوهش‌های متعددی نشان می‌دهد که افراد دارای طحوراه اطاعت و ایثار در دوران کودکی، بیش از حد تحت کنترل والدین خود بوده و آزاد نبوده‌اند تا از تمایلات طبیعی خود پیروی کنند و در بزرگسالی، به جای اینکه از درون جهت‌دهی شوند، از محیط بیرونی تأثیر می‌پذیرند و از خواسته‌های دیگران تبعیت می‌کنند. این کار، به منظور دریافت عشق و پذیرش، تداوم ارتباط با دیگران

یا اجتناب از انتقام و تلافی صورت می‌گیرد (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳؛ ریچاردسون، ۲۰۰۵؛ کاستیل و همکاران، ۲۰۰۷)، که این همسو با این بخش از یافته‌های پژوهش است که شیوه فرزندپروری با بُعد غالب کنترل پیش‌بینی‌کننده مثبت و معناداری برای طحوراه‌های ناسازگار اطاعت و ایثار است.

به طور کلی، نتایج به دست آمده در این بخش از پژوهش با نتایج کلی به دست آمده در تحقیقات رایت و همکاران، (۲۰۰۹)، گانتی (۲۰۰۸)، بارانف و تیان (۲۰۰۷)، هریس و سرتین (۲۰۰۲)، شهامت و همکاران (۱۳۸۹)، شایقیان (۱۳۷۸) و صدوقی (۱۳۸۶)، همسو و همخوان است که بیان کردند شیوه‌های فرزندپروری پیش‌بینی‌کننده معناداری برای طحوراه‌های ناسازگار اولیه است.

از سوی دیگر، یافته‌ها حاکی از این است که شیوه فرزندپروری با بُعد غالب محبت، پیش‌بینی‌کننده معناداری برای طحوراه‌های ناسازگار اولیه ره‌اشدگی، بی‌اعتمادی، شکست و ایثار نیست و شیوه فرزندپروری، با بُعد غالب کنترل هیچ‌یک از طحوراه‌های ناسازگار اولیه حوزه خودگردانی و عملکرد مختل (شکست، وابستگی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، خودتحول نیافته) و حوزه گوش به زنگی و بازداری بیش از حد (بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه) و حوزه محدودیت‌های مختل (استحقاق، خویش‌تنداری و خودانضباطی ناکافی) و طحوراه‌های ناسازگار ره‌اشدگی و انزوای اجتماعی را به طور معناداری پیش‌بینی نمی‌کند. این بخش از یافته‌ها را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که عوامل دیگری چون همسالان، مدرسه، انجمن‌های گروهی، فرهنگ و خلق و خوی هیجانی فرد، می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌های بهتری برای سطوح بالای طحوراه‌های ناسازگاری چون ره‌اشدگی و شکست باشد.

با توجه به یافته‌های تحقیق، می‌توان گفت: که شیوه‌های فرزندپروری با بُعد غالب محبت، جهت‌گیری مذهبی درونی را به صورت مثبت و معنادار و جهت‌گیری مذهبی بیرونی را به صورت منفی و معنادار پیش‌بینی می‌کند. این بخش از یافته‌ها، همسو با پژوهش دادلی و ویسی (۲۰۰۰) است که مهم‌ترین عامل برای ارتقای ارزش‌های دینی فرزندان را حضور گرم و روابط حمایتی و مراقبی والدین یافتند.

در تبیین این بخش از یافته‌ها می‌توان این‌گونه استدلال کرد که هرچه والدین محبت و گرمی بیشتری نسبت به فرزندان نشان دهند، نیازهای هیجانی اساسی آنها همچون امنیت، ثبات و پذیرش به خوبی ارضاء شده و برای برآورده شدن این نیازها، کمتر به سمت جهت‌گیری مذهبی بیرونی می‌روند و بیشتر به ارزش‌های درونی مذهب جذب می‌شوند. از سوی دیگر، نتایج نشان داد که شیوه‌های

فرزندپروری با بُعد غالب کنترل، پیش‌بینی‌کننده معناداری برای جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی نیست. به نظر می‌رسد، عوامل دیگری چون نگرش‌های مذهبی والدین، روابط با همسالان، فرهنگ و جامعه بتوانند پیش‌بینی‌کننده‌های مؤثرتری برای جهت‌گیری مذهبی نوجوانان باشند.

از آنجاکه این پژوهش فقط بر روی دانش‌آموزان دختر صورت گرفته است، به نظر می‌رسد بررسی تفاوت‌های جنسی در پژوهش‌های آتی لازم باشد. همچنین نتایج مربوط به رابطه شیوه‌های فرزندپروری و طرحواره‌های ناسازگار، می‌تواند راهنمایی برای جلسات درمان باشد. برگزاری برنامه‌های آموزشی برای والدین و آشنا کردن آنها با ابعاد مختلف شیوه‌های فرزندپروری و آثار و پیامدهای آنها، به‌منظور بهبود و پیشگیری از شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه و شکل‌دهی به جهت‌گیری مذهبی درونی در فرزندان لازم به نظر می‌رسد.

منابع

- آقاجری، زهرا، ۱۳۷۴، *بررسی تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین بر عزت نفس و سازگاری فرزندان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی عمومی، تهران، دانشگاه الزهرا.
- آهی، قاسم، ۱۳۸۵، *هنجاریابی نسخه کوتاه پرسش‌نامه طرحواره یانگ*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی عمومی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- جان‌بزرگی، مسعود، ۱۳۷۸، *بررسی اثربخشی روان‌درمانگری کوتاه‌مدت با و بدون جهت‌گیری مذهبی بر مهار اضطراب و تنیدگی*، پایان‌نامه دکتری، روان‌شناسی بالینی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- شایقیان، زینب، ۱۳۸۷، *بررسی رابطه پیوند والدینی، باورهای ناسازگار هسته‌ای و باورهای اختلال خوردن با نشانه‌های اختلال خوردن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی عمومی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- شهامت، فاطمه و همکاران، ۱۳۸۹، «بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و طرحواره‌های ناسازگار اولیه»، *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، سال یازدهم، ش ۲، ص ۲۳۹-۲۵۴.
- صادقی، منصوره‌السادات و علی مظاهری، ۱۳۸۶، «کیفیت رابطه والد-فرزندی، پیش‌شرط تربیت دینی فرزندان»، *خانواده‌پژوهی*، سال سوم، ش ۹، ص ۴۷۱-۴۸۸.
- صدوقی، زهره، ۱۳۸۶، *بررسی سبک‌های پیوند والدینی، فرآیندهای حسی-ادراکی و شناختی کاربرد نادرست اینترنت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی عمومی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- کریمی، منیره، ۱۳۸۰، *بررسی رابطه نگرش مذهبی و شیوه‌های فرزندپروری والدین با نگرش مذهبی دختران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی تربیتی، تهران، دانشگاه الزهرا.
- مختاری و همکاران، ۱۳۸۰، «رابطه جهت‌گیری مذهبی با میزان تنیدگی»، *روان‌شناسی*، سال پنجم، ش ۱۷، ص ۵۶-۷۰.
- نقاشیان، ذبیح‌الله، ۱۳۵۸، *رابطه محیط خانوادگی و موفقیت تحصیلی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی عمومی، شیراز، دانشگاه شیراز.
- یعقوب‌خانی غیاثوند، مرضیه، ۱۳۷۲، *رابطه محیط خانواده و پیشرفت تحصیلی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی بالینی، شیراز، دانشگاه شیراز.

- Allport, G. W, 1968, *The Person in Psychology*, Boston, Beacon Press.
- Allport, G. W, & Ross, G. M, 1967, Personal Religious and Prejudice, *Journal of Personality and Social Psychology*, v. 5, p. 432-443.
- Baranoff, J, & Tian, P.S. Oei, 2007, Young Schema Questionnaire: Review of Psychometric and Measurement Issues, *Australian Journal of Psychology*, v. 59, p. 78-86.
- Bowlby, J., 1969, *Attachment and loss: VI. Attachment*, Basic Books, New York.
- Carter, K. L, 2000, Parenting Style, Religious Commitment, Academic Achievement, and Behavioral Self-regulation, Among African American Parochial College Students.

- Experimental Psychiatry*, v. 42, p. 518.
- Waller, G, & et al, 2001, Psychometric Properties of the Long & Short Versions of the Young Schema Questionnaire, *Cognitive Therapy and Research*, v. 25, p. 137-147.
- Wright, M, & et al, 2009, Childhood Emotional Maltreatment and Later Psychological Distress Among College Students: The Mediating Role of Maladaptive Schemas, *Child Abuse & Neglect: New York*, v. 33, p. 59-68.
- Young, J. E, 1998, The Young Schema Questionnaire: Short Form. Available at <http://home.sprynet.com/sprynet/schema/ysqs.htm>. 2010/11/12.
- Young, J. E, & et al, 2003, Schema Therapy: A Practitioners Guide, *Journal of Psychosomatic*, v. 57, p. 113-116.
- Zabala, F. A, 1994, *Parenting Style and Adolescent Self-determination in Academic, Religious, and TV-related Activities*. Marquette University.

- Dissertation Abstracts International Section A: Humanities and Social Sciences, 60 (11-A).
- Castille, K, & et al, 2007, The Early Maladaptive Schemas of Self-Mutilator: Implications for Therapy, *Journal of Cognitive Psychotherapy: An International Quarterly*, v. 21, p. 58-71.
- Cecero, J. J., & et al, 2004, Tools and Tenets of Schema Therapy: Toward the Construct Validity of the Early Maladaptive Schema Questionnaire. Research Version (EMSQ-R), *Clinical Psychology and Psychotherapy*, v. 11, p. 344-357.
- Dickie, J. R, & et al, 1997, Parent - Child Relationships and Children's Images of God, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. 36, p.25-43.
- Donahue, M. J, 1985, Intrinsic and Extrinsic Religiousness: Review and Meta analysis, *Journal of Psychology and Social Psychology*, v. 48, p. 400-419.
- Dudley, R. L, & Wisbey, R. L, 2000, The Relationship of Parenting Styles to Commitment to the Church Among Young Adults, *Religious Education*, v. 95, p. 39-50.
- Gardner, J, 2004, *Cognitive Behavior Technique Schema Focused Counseling*.
- Giesbrecht, N, 1995, Parenting Style and Adolescent Religious Commitment, *The Journal of Psychology and Christianity*, v. 14, p. 228-238.
- Glasgow, K.L, & et al, 1997, Parental Styles, Adolescent's Attributions, and Educational Outcomes in Nine Heterogeneous High Schools, *Child development*, v. 68, p. 507-529.
- Gunty, B, 2008, *Parental Practices and the Development of Maladaptive Schemas Online Submission*, Paper presented at the Annual Meeting of the Midwestern Psychological Association.
- Harris, A. E, & Curtin, L, 2002, Parental Perception, Early Maladaptive Schemas and Depressive Symptoms in Young Adult, *Cognitive Therapy and Research*, v. 26, p. 405-416.
- Hertel, B. R, & Donahue, M. J, 1995, Parental Influences on God Images Among Children: Testing Durkheim's Metaphoric Parallelism, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. 34, p. 186-199.
- Leung, N, & et al, 2000, The relationship between parental bonding and core beliefs in anorexic and bulimic women, *British Journal of Clinical Psychology*, v. 39, p. 205-213.
- Muris, P, 2006, Maladaptive Schemas in non-clinical Adolescents: Relations to Perceived Parental Rearing Behaviours, Big five Personality Factors, and Psychopathological Symptoms, *Clinical Psychology and Psychotherapy*, v. 13, p. 405-413.
- Palkovitz, R, & Plam, G, 1998, Fatherhood and Faith in Formation: The Developmental Effects of Fathering on Religiosity, Morals, and Values, *Journal of Mens Studies*, v.7, p. 33-51.
- Richardson, G, 2005, Early Maladaptive Schemas in a Sample of British Adolescent Sexual Abuses Implication for Therapy, *Journal of Sexual Aggression*, v. 11, p. 259-276.
- Rijkeboer, M. M, & van den Bergh, H, 2006, Multiple Group Confirmatory Factor Analysis of the Young Schema-Questionnaire in a Dutch Clinical Versus nonclinical Population, *Cognitive Therapy and Research*, v. 30, p. 263-278.
- Schaefer, E. S, 1965, A configurational analysis of children's reports of parent behavior, *Journal of Consulting Psychology*, v. 29, p. 552-557.
- Spilka, B, & et al, 2003, *The Psychology of Religion* (3rd Edition). New York: Guilford Press.
- Thimm, J. C, 2010, Mediation of early maladaptive schemas between perceptions of parental rearing style and personality disorder symptoms, *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, v. 41, p. 52-59.
- Thimm, J.C, 2011, Mediation of early maladaptive schemas between perceptions of parental rearing style and personality disorder symptoms, *Journal of Behavior Therapy and*